

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم [اسیر]

هشتم سپتمبر 2011

رنگِ نو!!!

سروده ایست انتقادی، از خاطرات گذشته که در کابل عزیز و زیبا انشاد شده است، چون با شرایط نابسامان امروز وطن مطابقت دارد، غرض نشر تقدیمش میکنم:

باز چرخ سفله با ما رنگ دیگر می زند
باز گردون دونوازی می کند بر رگم ما
بس خسر لنگی که گردیده است میر قافله
باز شوری گشته برپا مردمان دهر را
آن یکی با زور می خواهد که آقائی کند
آنکه را دیروز زور داربازی هم نبود
از پدر، مادر نمی بیند پسر هـا تربیت
بچه برپا گشته، می گیرد گریبان پدر
خواهر نادان کند با خواهر خود مکر و فن
شیوه مرزاعمو در کار، خواب غفلت است

سفلگان را می نوازد، تاج بر سر می زند
روزگار آئینه هـا را سنگ در بر می زند
لیک پای اسپ ما افسردگان پر می زند
کز جنون بیخودی، پهلو به محشر می زند
دیگری لاف مقام و جاه و افسر می زند
از غرور امروز حرف دار و دالر می زند
وز پسر، دختر غم بیرون ز حد سر می زند
دخترک سیلی به روی پاک مادر می زند
هم برادر، چال در جان برادر می زند
خواب شب را روزها بر میز دفتر می زند

پیش تر گر رخ نسازی پول خرج جیب را خُرده میگیرد بکار و گوش خود کر می زند

گشته عنقای خیال من درین سودا «اسیر»

کای بسا خیل مگس سوی هوا پر می زند

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، 22 حوت 1332 ش)